

نظریه‌های توسعه روستایی

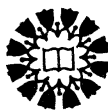
(ویراست ۲: با تجدید نظر و اضافات)

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی

محمدامیر ابراهیمی

تهران

۱۳۹۴



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۳	نظریه و تفاوت آن با مکتب، مدل، پارادایم، فرضیه و قانون
۱۷	مکتب
۱۸	ایدئولوژی
۲۰	مدل
۲۱	پارادایم
۲۲	فرضیه
۲۲	قانون
۲۳	روستا و روستانشینی
۲۹	جهان سوم، پیدایش و خصایص عام
۳۴	فصل دوم: مفاهیم توسعه
۳۴	توسعه چیست؟
۴۰	توسعه فرهنگی
۴۲	توسعه سیاسی
۴۶	توسعه اقتصادی
۴۷	توسعه انسانی
۵۱	توسعه پایدار
۵۴	توسعه روستایی
۵۷	توسعه همه‌جانبه (یکپارچه) روستایی
۶۰	استراتژیهای توسعه روستایی

صفحه	عنوان
۶۲	استراتژی تکنوکراتیک
۶۴	استراتژی اصلاح طلبانه
۶۵	استراتژی رادیکال
۶۶	اهمیت نظریه‌ها
۶۸	نظریه توسعه روستایی بانک جهانی
۷۱	نظریه دکتر پاپلی یزدی - تولیدمحوری
۷۶	فصل سوم: مکاتب، نظریات و راهبردهای توسعه روستایی
۷۶	مکتب تکاملی توسعه
۸۰	نظریه تراوش گرای (پخش، اشاعه)
۸۰	تورستن هاگراستراند (۱۹۵۳)
۸۴	مکتب نوسازی (متعارف)
۹۰	نظریات دوگانگی
۹۳	نظریه قومی - شهری ردفیلد (۱۹۴۱)
۹۵	نظریه اخلاق پروتستانی (زهد مذهبی و عقلانیت، خردگرایی) ماکس وبر ...
۹۷	نظریه ساخت اجتماعی و رشد اقتصادی هوزلیتز (۱۹۵۳)
۹۸	نظریه شخصیت متحرک (فعال) دانیل لرنر (۱۹۵۸)
۹۹	نظریه مراحل رشد والت روستو (۱۹۶۰)
۱۰۱	نظریه تفکیک کارکردی نیل اسملسر (۱۹۶۳)
۱۰۲	نظریه نوسازی آیزنشتات (۱۹۷۰)
۱۰۳	نظریه خیر محدود فاستر
۱۰۴	نظریه خرده فرهنگ دهقانی راجرز
۱۰۸	نظریه روان‌شناختی هوزلیتز و دیگران
۱۰۹	مکتب وابستگی
۱۱۳	نظریه وابستگی پل باران
۱۱۴	نظریه مادرشهر - ماهواره (مادرشهر - اقمار) آندرِه گوندر فرانک
۱۱۶	نظریات مبتنی بر صورت‌بندی اجتماعی
۱۱۶	جان جی. تیلور و دیگران

صفحه	عنوان
۱۱۹	نظریات میانه (چندگانه یا سازمانی)
۱۱۹	روبرت مرتن، هگک، فینستر بوش و دیگران
۱۲۱	نظریه چندگانه برینگتن مور
۱۲۳	نظریه‌های مربوط به شرایط لازم برای توسعه
۱۲۳	مک کله‌لند، هیگن و دیگران (دهه ۱۹۷۰)
۱۲۴	نظریه اجتماعی شدن طفل هیگن (دهه ۱۹۷۰)
۱۲۵	نظریه انگیزه موفقیت مک کله‌لند (۱۹۷۶)
۱۲۸	مشارکت و توسعه
۱۳۳	نظریات توسعه مشارکتی
۱۳۷	ترویج و توسعه (۱۸۶۶)
۱۴۵	سازمانهای غیردولتی
۱۴۶	خوداتکایی
۱۴۸	رهیافت اوزالیدی
۱۴۹	راهبرد نیازهای اساسی
۱۵۳	نظریه نیازهای آبراهام مازلو (ماسلو)
۱۵۴	جمعیت و توسعه
۱۵۷	نظریه توماس رابرت مالتوس (۱۷۹۸)
۱۶۱	رشد جمعیت در راستای توسعه
۱۶۴	نظریات میانه جمعیت و توسعه
۱۶۶	نظریه‌های مهاجرت روستایی
۱۶۹	کارکردگرایی و مهاجرت
۱۷۰	نظریه جذب و دفع (تفاوتها) راونشتین
۱۷۲	نظریات وابستگی مهاجرت
۱۷۴	نظریه دگرگونی و توسعه ریچموند و ورما
۱۷۶	مدل دوبخشی آرتور لوییس (۱۹۶۰-۱۹۵۰)
۱۷۸	نظریه مهاجرتی مایکل تودارو (۱۹۷۵)
۱۸۱	نظریه عوامل میانی اورت اس. لی

صفحه	عنوان
۱۸۳	اصلاحاتی بر نظریه تودارو
۱۸۷	طرحی نو از سعید زاهد زاهدانی
۱۸۸	نظریات روابط شهر و روستا
۱۸۸	نظریه شهرهای زایا و انگلی
۱۸۹	نظریه راندینلی
۱۹۱	نظریه میشل لیپتون
۱۹۲	نظریه استور و تیلور
۱۹۲	نظریه تسلسل فقر توده‌ها
۱۹۴	نظریه‌های مکان مرکزی
۱۹۶	نظریه فون تونن (دوایر متحدالمرکز)
۲۰۰	نظریه والتر کریستالر
۲۰۵	نظریه اگوست لاش
۲۰۸	نظریه نواحی بازاری گالپین
۲۰۹	نظریه مرکز - پیرامونی جان فریدمن
۲۱۱	نظریه ساختار قدرت امپریالیسم (مرکز - پیرامونی) گالتونگ
۲۱۲	نظریه اگروپلین (منظومه کشت شهری) فریدمن و ویوور
۲۱۵	نظریه تعادل فضایی بی‌لوند و موریل (۱۹۶۰)
۲۱۷	نظریه قطب رشد هیرشمن، میردال و پرو (۱۹۸۵)
۲۲۰	نظریه مراکز رشد میسرا
۲۲۳	طرح‌های فیزیکی و کالبدی روستایی
۲۲۳	استراتژی طرح‌های اسکان
۲۲۴	ادغام، تجمیع یا ساماندهی روستاهای پراکنده و کوچک (۱۹۷۶)
۲۲۸	طرح‌های هادی روستایی (بهسازی)
۲۳۱	نظریاتی پیرامون راه و توسعه روستایی
۲۳۷	صنعتی کردن روستاها
۲۴۵	نظریه رخنه به پایین صنعتی یا منطق لوییس
۲۴۶	نظریه پیوند سیدمن و دارکو

صفحه	عنوان
۲۴۷	سیاستهای ارضی
۲۴۷	اصلاحات ارضی
۲۵۵	عمده ترین نظریه های روستایی - کشاورزی در ایالات متحده امریکا
۲۵۸	نظریه ها و شیوه های عمده بهره برداری از زمین در شوروی سابق
۲۶۱	نظریه های توسعه روستایی و زمینداری در چین کمونیست
۲۶۹	نظریه های توسعه روستایی و کشاورزی در مالزی
۲۷۳	نظریه شهرک سازی و تعاونیهای مشاع (کیبوتص) در فلسطین اشغالی
۲۷۵	یکپارچه سازی اراضی زراعی
۲۷۹	انقلاب سبز
۲۸۳	مروری بر چند نظریه
۲۸۳	نظریه زیست منطقه
۲۸۶	نظریه توزیع مجدد سینگر
۲۸۷	نظریه بهینه دوم لاکشمانان
۲۸۸	استراتژی توسعه ملی در ایران
۲۹۲	جهاد سازندگی و توسعه روستایی
۲۹۴	نتیجه گیری
۲۹۵	کتابنامه
۳۱۶	نمایه اشخاص

مقدمه

نظریه‌های علمی پایه و اساس قسمت اعظم تحقیقات در دنیاست. نظریه‌ها عملاً سنگ بنای تحقیقات علمی است.

بسیاری از تحقیقات علمی و یا کاربردی در چهارچوب نظریه‌های تدوین شده قبلی انجام می‌شود. مطالعات و تحقیقات نیز ممکن است خود به طرح نظریه‌های جدید و یا نقد نظریه‌های موجود منجر گردد.

بسیاری از نظریه‌های امروزی شاخ و برگ درختی هستند که ریشه در نظریه‌های فلسفی قدیم دارند. مطالعات و پژوهشهای روستایی و اجرای فعالیتهای عمرانی، خدماتی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی روستاها نیز بر مبنای نظریه‌های علمی انجام می‌شود. جمع‌آوری این نظریه‌ها در یک مجموعه، خود تحقیقی بنیادی است که می‌تواند پژوهشگران را یاری دهد.

تألیفی را که پیش رو دارید مجموعه‌ای است؛ شامل برخی مفاهیم بنیادی توسعه، مکاتب کلان توسعه، نظریه‌ها و راهبردهایی که توسعه روستایی در سطح جهان همواره از آن متأثر بوده است. انتظار می‌رود که با مطالعه این مباحث، دیدگاهها وسعت یابد و یا دیدگاههای جدیدی پیش روی دانشجویان و محققان قرار گیرد.

بررسی و تحقیق در عرصه روستا و توسعه روستایی بدون آگاهی از اصولی که توسعه روستایی هر کشور بر آن استوار است راه به جایی نخواهد برد. البته این اصول همیشه و در همه جا به ویژه در کشورهای در حال توسعه رعایت نمی‌شود. گاهی تضادهایی بین نظریه منتخب برای توسعه در یک کشور با اصول اعتقادی، ایدئولوژیکی، سیاسی آن کشور وجود دارد. این امر عملاً در ایران اتفاق افتاده

است. با انتخاب نظریه نامناسب توسعه روستایی در دهه ۱۳۶۰ برنامه‌هایی اجرا شد، که عملاً با توسعه واقعی در تضاد بود. وضعیت روستاهای ایران در ۵ دهه گذشته (۱۳۴۰-۱۳۹۰) چنین بوده است. روستاهای ایران قرن‌ها از دگرگونیها و تحولات عمده به دور بودند. آنها در حالت سنتی روزگار می‌گذراندند. روستاهای کشور از ۱۳۴۰ به تدریج تحولاتی را پذیرا شدند. عملاً روستاها وارد عصر مدرن و حتی پست مدرن شدند. گذر از سنت به مدرنیته و پست مدرن در روستاهای دنیا و از جمله ایران بسیار پر شتاب است. آنچه شهرها طی قرن‌ها گذرانده‌اند روستاها شتابان در طی چند دهه تجربه می‌کنند. در این اوضاع چهره روستاها و شیوه زندگی و روابط اجتماعی روستائینان، ابتدا به آرامی و آنگاه با شتاب فزاینده، دگرگون شد. این تحول از هنگامی آغاز شد که از بعد از جنگ اول جهانی و به خصوص بعد از جنگ دوم جهانی اقتصاد کشورهای در حال توسعه به اقتصاد توانمند و سلطه‌جوی جهانی پیوند خورد. بخش کشاورزی و جامعه روستایی نیز در انطباق و همسازی با اوضاع و احوال جدید، که خصوصیات استعماری و نیمه استعماری داشت، در مسیر دگرگونی قرار گرفت. بدین ترتیب تحولات پنج دهه اخیر (۱۳۴۰-۱۳۹۰) که سریع‌تر از هر زمانی بوده است، در تحولات سالهای قبل از این تاریخ ریشه دارد. این دگرگونیها که نزدیک به یک قرن به آرامی در جریان بود در چند دهه گذشته شتاب گرفت. در این دوره کوتاه، نظام ارباب رعیتی از هم پاشید و به جای آن انواع بهره‌برداریهای تجاری از خصوصی و دولتی و بزرگ و کوچک تا انواع بهره‌برداریهای دهقانی و نیمه‌دهقانی، تعاونی، شرکتهای زراعی، شرکتهای بزرگ کشت و صنعت و... شکل گرفت و گسترش یافت. بدین گونه چهره روستاها دگرگون شد، نظام تولید کشاورزی و سایر تولیدات روستایی متنوع شد. روابط اقتصادی و اجتماعی تازه‌ای جانشین روابط کهن گردید. ماشینهای کشاورزی و انواع ابزار تکنولوژیکی بیش از پیش به روستاها راه یافت. ترکیب زمینداران از فئودالی به سرمایه‌داری تغییر کرد. قشربندی اجتماعی روستاها پیچیده شد. نیروهای اجتماعی روستاها تنوع یافت. روابط سنتی شهر و روستا کاملاً دگرگون شد.

رویاری میانی طبقات و گروههای اجتماعی - اقتصادی پدیدار شد. علاوه بر شکاف طبقاتی، شکاف بین نسلی، بین سنی، بین درکی و فهمی، بین جنسی (زن و مرد) زیاد گردید. تعداد کارمندان دولتی در روستاها افزایش چشمگیر یافت. تصدیگری دولتی بر همه امور تسلط یافت. از نظر اجتماعی همبستگیهای سنتی روستایی در جهان و ایران فروپاشیده یا در حال فروپاشیدن است. هویتهای جدید در حال شکلگیری است. فردگرایی گسترش یافته است. مسائل ارضی و دهقانی به صورت یکی از مسائل اجتماعی درآمد^۱. مهمترین هدف از نظر مجریان اصلاحات ارضی تأمین منافع سیاسی بوده است. به همین دلیل اصلاحات ارضی به جای حرکت در مسیر توسعه روستایی و در نهایت توسعه کشور، جنبه سیاسی پیدا کرد. نتیجه آن شد که قشر عظیم روستایی تولیدکننده و صاحب نسق به خرده مالکان ناتوانی تبدیل شدند که محصولات آنها جوابگوی نیازهای روزافزون مصرفکنندگان نبود. روستاها به یک بازار عمده مصرف جهانی تبدیل شدند. البته اصلاحات ارضی تأثیرات طولانی - اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی بر کل کشور داشت که هنوز (۱۳۹۳) اثرات مثبت و منفی آن باقی است.

به رغم تلاشهای رژیم گذشته جهت توزیع اراضی بین صاحبان نسق، باز هم واحدهای بزرگ زراعی مانند شرکتهای سهامی زراعی، کشت و صنعتهای بزرگ با سهام بینالمللی به وجود آمد. این سازمانها بیشترین اراضی را در دست داشتند و زمینهای کوچک خرده مالکان در مقابل مزارع بزرگ آنها توان تولیدی چندانی نداشتند. در حقیقت نداشتن طرح و برنامه دقیق و منسجم و استفاده از نظریه‌های متعدد توسعه به طور همزمان، سبب ناهماهنگی در کارها می‌شد. همزمان که اصلاحات ارضی، زمینهای کشاورزی را به صورت نسق و خردشده (حداکثر ۶ هکتار) به روستاییان داد، کشت و صنعتهای بزرگ با مساحت متوسط بیش از ۱۴۰۰۰ هکتار در حال شکلگیری بود. در پایان سال ۱۳۵۰، پانزده شرکت کشت و

۱. مابرو، رابرت، «انقلاب و اصلاحات ارضی»، ص ۷.

صنعت ۲۰۲ هزار و ۸۶۰ هکتار زمین را در مالکیت خود داشتند. همچنین در سال ۱۳۵۴ یعنی پایان اصلاحات ارضی ۳۶ درصد کل بهره‌برداران، ۱۳/۷ درصد از اراضی زراعی را در اختیار داشتند.^۱ در مقابل ۳۱/۱۵ درصد از بهره‌برداران فقط ۱/۸ درصد از اراضی به آنها تعلق داشت.

آمارگیری کشاورزی و روستایی ایران در سال ۱۳۵۴

طبقه‌بندی بهره‌بردارها	نسبت به کل بهره‌بردارها		کل بهره‌برداری با زمین	
	درصد	درصد	تعداد	مساحت
	مساحت	بهره‌برداری	بهره‌برداری	بهره‌برداری
بهره‌بردارهای کمتر از یک هکتار	۰/۳۶	۳۱/۱۵	۷۷۴۸۸۳	۲۸۱۵۵۴
بهره‌برداری ۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۱/۳۹	۱۳/۸۵	۳۴۶۲۵۳	۴۸۱۳۲۷
بهره‌برداری ۲ تا کمتر از ۵ هکتار	۳/۱۷	۲۰/۴	۵۱۰۲۸۳	۱۶۱۸۹۸۹
بهره‌برداری ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۶/۹۳	۱۶/۸۵	۴۲۱۱۲۴	۲۹۲۱۶۷۰
بهره‌برداری ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۱۷۱/۹	۱۶/۷۵	۴۱۸۹۰۵	۷۲۰۲۶۵۰
بهره‌برداری ۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۶۵/۵۹	۰/۶۴	۱۵۹۷۹	۱۰۴۹۶۷۷
بهره‌برداری ۱۰۰ هکتار و بیشتر	۲۳۷	۰/۳۶	۹۰۸۶	۲۱۵۳۴۴۴
جمع	۶/۳	۱۰۰	۲۵۰۰۱۱۲	۱۵۷۰۹۳۱۱

منبع: مرکز آمار ایران، آمارگیری کشاورزی و روستایی، ۱۳۵۴.

این اعداد خود بیانگر لزوم اصلاحات ارضی مجدد است. به همین دلیل در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی نیز مجدداً تقسیم اراضی مطرح شد و به شکل دیگری مسئله‌ساز شد. در اوایل انقلاب نظریه مالکیت مشروع و محدود زمین (بند ج و د) مطرح و پذیرفته شد. ولی مشکلات کار اجازه اجرایی شدن آن را نداد. بر همین اساس پیشنهاد شد که هر کس بین ۲ تا ۳ برابر عرف محل (حدود ۱۰-۱۵ هکتار) زمین داشته باشد. هم‌زمان با این امر، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی و برخی دیگر از سازمانها کوشش داشتند زمینهای وسیع تحت تملک خود را به صورت مزارع بزرگ چند هزار هکتاری اداره نمایند. بعضی سازمانها (جهاد کشاورزی)

۱. مؤمنی، باقر، مسائل ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، انتشارات پیوند، ۱۳۵۹، ص ۳۵۴.

گروهها بر اساس نظریه توسعه عدالت اجتماعی به تقسیم اراضی مشغول بودند. گروه دیگر با توجه به نظریه‌ای دیگر، به یکپارچه کردن و بزرگ کردن اراضی همت گماشتند. گروهی دیگر برای ایجاد اشتغال و آباد کردن زمینهای بایر و موات تعاونیهای مشاع تحت نظر هیئتهای هفت نفره را ایجاد کردند. گروهی دیگر سعی کردند الگوی کشت اجباری را پیاده کنند. گروهی دیگر تحت تأثیر نظریه توسعه صنایع کوچک روستایی در چین می‌خواستند روستاها را صنعتی کنند. سازمانهای متعدد تلاش داشتند با توجه به نظریه بانک جهانی در امر توسعه روستایی، امکانات رفاهی و خدماتی روستاها را تکمیل کنند. بدین ترتیب پس از انقلاب نیز همانند دهه ۱۳۴۰، تضادی آشکار در سیاستهای کلان توسعه‌ای کشور به وجود آمد.

البته این مسئله، یعنی تضاد برنامه‌ها و سیاستهای روستایی به همین جا ختم نمی‌شود. طرح آمایش سرزمین به عنوان طرح پایه توسعه ایران در ابتدای انقلاب مطرح شد. نظریه ارائه شده در این طرح (۱۳۶۴) تضادهایی را با برنامه عدالت اجتماعی و کمک به مستضعفین در برداشت. در طرح آمایش اول (۱۳۶۴)، مناطق روستایی کشور به چهار دسته تقسیم شدند.

۱. مناطق توسعه یافته‌تر،

۲. مناطق رو به توسعه،

۳. مناطق حاشیه‌ای دارای قابلیت توسعه،

۴. مناطق حاشیه‌ای با قابلیت محدود برای توسعه.^۱

در این طرح اولویت‌بندیهای توسعه به شرح زیر است:

توسعه مناطق توسعه یافته‌تر

تقویت نواحی عقب‌نگه داشته شده اما مستعد (مناطق رو به توسعه و مناطق

حاشیه‌ای دارای قابلیت توسعه)

حفظ منابع حاشیه‌ای با قابلیت محدود در حد ممکن

۱. مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران جلد خلاصه و جمع‌بندی مطالعات مرحله اول تابستان ۱۳۶۴ معاونت امور مناطق دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ص ۹۵-۶.

این نظریه کاملاً مغایر با شعارهای انقلاب و سیاست‌های کلی نظام بود. لذا طرح آزمایش اول به کنار گذاشته شد. نظریه توسعه مناطق محروم یعنی عکس نظریه فوق مطرح گردید و اجرایی شد. طرفداران توسعه مناطق محروم اعتقاد داشتند که اولویت توسعه باید با مناطق محروم و حاشیه‌ای باشد. همان زمان عده‌ای طرفدار ارائه خدمات عمومی و رفاهی به همه روستاها بودند و این امر را در اولویت قرار دادند. عده‌ای دیگر نظر داشتند که می‌بایست بیشتر به خدمات زیرساختی و تولیدی توجه کرد. مثلاً در دهه ۱۳۶۰، طرفداران نظریه توسعه و گسترش صنایع کوچک در روستاها، صدها کارخانه کوچک از قبیل چتایی‌بافی، پنیرسازی و غیره را به روستاها بردند. هم‌زمان عده‌ای دیگر تلاش می‌کردند به بافتهای فرسوده روستایی رسیدگی کنند. این گروهها طرح هادی و ساماندهی روستایی را عملی کردند. برخی گروهها به شهرک‌سازی معتقد بودند. شهرکهای استراحتگاهی برای سرریز جمعیت و شهرکهای صنعتی برای تمرکز صنایع بر اساس این نظریه گسترش یافت. عده‌ای دنبال نظریه قطبهای توسعه بودند و هستند و عده‌ای دنبال نظریه توسعه مناطق. هر دو نظریه در ایران پیاده شده است. برخی معتقد بودند که باید نظریه‌های مهاجرت معکوس را پیاده کرد. روستاییان را به طرق مختلف از جمله اعطای زمین و آب، وامهای کم بهره، اجرای طرحهای سنابل یک و دو و طرح طوبی به بازگشت به روستا تشویق می‌کردند. نظریه‌ها و طرحهای مطالعه نشده (مثل طرح خودکفایی گندم) به هجوم به مراتع و دیم‌زارهای نامناسب منجر شد. فرسایش خاک گسترش یافت. در مقابل نظریه‌های آبخیزداری، آبخوانداری مطرح و عملی گردید. از یک سو با کمکهای دولتی کشتهایی می‌شد که موجب فرسایش خاک می‌گردید. از سوی دیگر با بودجه دولتی اقدام به حفظ خاک می‌شد. نظریه خودکفایی محصولات کشاورزی موجب گردید که هزاران چاه عمیق با مجوز و بدون مجوز حفر گردد. این امر موجب افت آبهای زیرزمینی گردید. حال با کمک چندین نظریه دیگر می‌خواهیم راه‌حلی برای آبهای زیرزمینی پیدا کنیم. دائم در حال اجرای نظریه‌های متضاد هستیم. در دهه ۱۳۶۰-۱۳۷۰ درست در زمانی که نظریه مهاجرت معکوس در شهر و روستا دنبال می‌شد. هم‌زمان صدا و سیما در برنامه‌های مختلف،

فرهنگ، زبان و لهجه روستایی را به سخره می گرفت. این امر به طور غیر مستقیم مهاجرت روستایی را تشویق می کرد.

عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که یکی از علل عدم توسعه روستایی در بسیاری از کشورهای جهان سوم، فقدان سیاست مشخص مبتنی بر یک نظریه کلان توسعه روستایی است. این صاحب‌نظران، به مسئولان کشورهای جهان سوم توصیه می کنند که یکی از نظریات کلان توسعه روستایی را انتخاب کنند و سیاستهای توسعه خود را بر آن منطبق سازند.

ظاهراً یکی از عمده مشکلاتی که در توسعه روستایی ایران وجود دارد به دلیل استفاده از نظریات متعدد توسعه است. یکی از دلایلی که توسعه روستایی ایران در جهت تولید گام برنداشت؛ انتخاب نظریه بانک جهانی از توسعه روستایی و تفسیر این نظریه است. عدم هماهنگی بین سازمانها و ارگانها نیز خود یکی از دلایل دیگر مشکلات توسعه روستایی است. برخی از وزارتخانه‌ها و ادارات مسئول، هم‌زمان چندین نظریه متضاد در امور روستایی را در دست اجرا دارند و یا اجازه اجرای آن را می دهند. مثلاً درست در زمانی که جهادسازندگی و بنیاد مسکن طرح تجمیع روستاها، ساماندهی روستاها، بهسازی، اجرای طرح هادی، الگوسازی مسکن و غیره را انجام می دهند هر ساله به دلایل عدیده چند صد آبادی کوچک و پراکنده در کشور به وجود می آید. سازمان عشایری تلاش می کند که در مناطق مساعد شهرکهایی جهت اسکان عشایر ایجاد کند ولی هرگز در طول تاریخ هشتصد ساله (بعد از حمله مغول) ایران به اندازه سه دهه ۱۳۶۰-۱۳۹۰ روستا و کلاته خودرو در مناطق عشایری ایجاد نشده است.

سخن پایانی اینکه روستاهای ایران لاجرم می‌بایست از زندگی سنتی خود به زندگی مدرن و پست مدرن وارد شوند. بسیاری از روستاها در حال تجربه این امر هستند. در حقیقت عبور از سنت^۱ به مدرنیته^۲ و پست مدرنیته امری اجتناب‌ناپذیر است. حتی در حال حاضر عبور از مدرنیته به فرامدرن (پست مدرنیسم) و فراتر از

1. tradition
2. modernite

فرامردن (پست پست مدرنیسم) در بسیاری از کشورها در حال تحقق است. این جریان و روند و یا در حقیقت عبور از موج اول (کشاورزی) به موج دوم (صنعتی) و از آن به موج سوم (فراصنعتی) لاجرم تحقق می‌یابد،^۱ اما کشورهایی در این زمینه موفق خواهند بود که طرح و برنامه‌ای مبتنی بر جهان‌بینی و ایدئولوژی خود داشته باشند و نظریه‌ها و قوانین ویژه‌ای را که با فرهنگ آنها تطابق دارد به عنوان ابزار کار برگزینند. عملاً کشورهایی در امر توسعه به طور عام و توسعه روستایی به طور خاص موفق بوده‌اند که نظریه‌های توسعه را بومی‌سازی کرده باشند. هند نمونه کاملی از این امر است. روستاهای ما محلی برای تجربه انواع نظریه‌های توسعه، شده است. شاید هیچ کشوری از جهان به اندازه ایران این همه نظریه متضاد در امر توسعه را آزمایش و خطا نکرده باشد. در نمودارهای ضمیمه بخشی از فرایند عبور از سنت به مدرنیته در روستاهای ایران نشان داده شده است.

چاپ اول کتاب حاضر در زمستان ۱۳۸۱ بوده است. تا سال ۱۳۹۳ نه چاپ از این کتاب به عمل آمده است. به دلیل ارائه نظریه‌های جدید توسعه روستایی می‌بایست بازنگری اساسی در کتاب به عمل آید. این کار مستلزم زمان نسبتاً زیادی است. در چاپ فعلی تغییرات جزئی به عمل آمد. امید است که به یاری خداوند متعال و پشتیبانی سازمان «سمت» در چاپهای بعدی تغییرات اساسی لحاظ گردد.